

نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی نوجوانان

دکتر فریده عامری^۱

ناهید عمویی^۲

چکیده

نوجوانی بحرانی‌ترین و حساس‌ترین دوره زندگی هر انسان است که تکالیف و پیچیدگیهای متعدد دارد و فائق آمدن فرد بر این تکالیف تحت تاثیر عوامل گوناگونی مانند خانواده قرار دارد. هدف اصلی از پژوهش حاضر بررسی نقش عملکرد خانواده در تمایز یافتگی و میزان تجربه بحران هویت در نوجوانان است. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است و جامعه آماری شامل همه دانش آموزان ۱۷-۱۵ ساله مقطع متوسطه شهرستان اردکان استان یزد و توابع آن است که به روش نمونه‌گیری خوشه ای ۳۷۰ دانش آموز (دختر و پسر) به منظور پاسخ گویی به سه پرسشنامه عملکرد خانواده (FAD)، بحران هویت احمدی و سیاهه تمایز یافتگی خود (DSI-R) انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روشهای همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام و T دو گروه مستقل استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده نشان دادند که میان عملکرد خانواده و تمایز یافتگی، رابطه مثبت معنادار و میان تمام مؤلفه‌های عملکرد خانواده و مؤلفه "جایگاه من" در تمایز یافتگی، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین براساس یافته‌ها میان پنج مؤلفه از عملکرد خانواده (ارتباط، نقش، عملکرد کلی، حل مشکل، کنترل رفتار) با مؤلفه "آمیختگی" در تمایز یافتگی، رابطه منفی معنادار وجود دارد و میان عملکرد خانواده و ابعاد آن با میزان تجربه بحران هویت رابطه منفی معنادار وجود دارد و عملکرد خانواده، از طریق مؤلفه‌های "عملکرد کلی و نقشها" قادر به پیش بینی بحران هویت و از طریق مؤلفه "عملکرد کلی" قادر به پیش بینی تمایز یافتگی در نوجوانان است. یافته‌های جانبی پژوهش نشان دادند که دختران نسبت به پسران بحران هویت بیشتری را تجربه می‌کنند اما میان دو جنس در تمایز یافتگی، تفاوتی وجود ندارد. از یافته‌های پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که عملکرد خانواده می‌تواند عاملی مهم و اثرگذار بر میزان تجربه بحران هویت و سطوح تمایز یافتگی فرد در سنین نوجوانی باشد.

کلید واژگان: عملکرد خانواده، بحران هویت، تمایز یافتگی، نوجوان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۳۰

f.ameri @ Alzahra.ac.ir

nhd.kavir@yahoo.com

۱. استادیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء، تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه الزهراء، تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه

"نوجوانی" حداثت کودکی و بزرگسالی، از بحرانی‌ترین و تنش‌زاترین و در عین حال حساس‌ترین دوره برای تکوین شخصیت بهنجار انسان است که با پیچیدگیها، دشواریها و تکالیفی همراه است که با زمینه‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی زندگی فرد ارتباط نزدیک دارد (صبح‌خیز، ۱۳۸۷).

مرحله هویت‌یابی در مقابل سردرگمی نقش، از مراحل هشتگانه رشد روانی- اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸) است. تجربه درصدی از بحران در فرآیند هویت‌یابی لازم اما دستیابی به هویت معنادار فردی و ایجاد احساس "پیوستگی و انسجام" در درون شخص در گرو حل بهینه این بحران و گذر از آن است (رضوی، ۱۳۸۸). احتمال به وجود آمدن سردرگمی و آشفتگی نقشها در خلال شکل‌گیری هویت نوجوانان شدیدتر از هر دوره دیگر است و عدم حل بهینه آن، می‌تواند بلوغ روانی - اجتماعی فرد را به تعویق بیندازد و نوجوان را به آشفتگیهای شدید هویتی و شخصیتی دچار سازد (احمدی، ۱۳۸۲).

تمایز یافتگی از دیدگاه بوئن، مفهومی است که به منظور توصیف الگوهای تعاملی خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد تا فاصله اعضای خانواده را تنظیم کند و با توجه به سن، تعادلی مناسب میان فردیت و صمیمیت برقرار سازد (بوهلر^۱، ۲۰۰۱). تمایز یافتگی^۴ مؤلفه واکنش‌پذیری عاطفی^۲ (میزان فوران عاطفی و حساسیت بیش از حد در پاسخ به محرکهای محیطی)، جایگاه من^۳ (داشتن عقاید و باورهای مشخص در زندگی)، گریز عاطفی^۴ (فاصله گرفتن فرد از جو خانواده به روشهای گوناگون مانند صحبت نکردن با اعضای خانواده و هم آمیختگی با دیگران^۵) (شکل گرفتن رفتار فرد تحت تاثیر سیستم هیجانی خانواده و محیط و واکنش اطرافیان) را در برمی‌گیرد (به نقل از رحیم جمارونی، ۱۳۹۲). افراد تمایز یافته معمولاً تعریفی مشخص از خود و عقایدشان دارند، هدف-مدار و اخلاق-مدارند و قادر به تصمیم‌گیری در موقعیتهای شدید عاطفی هستند. در مقابل افراد تمایز نیافته، هویت تعریف شده‌ای ندارند و در تنشها و مسائل میان-شخصی موجود، همراه با جو عاطفی حاکم بر محیط اطرافشان حرکت می‌کنند و در آن غرق می‌شوند که نتیجه این آمیزش در

1. Buehler
2. Emotional reactivity (ER)
3. I position (IP)
4. Emotional cutoff (EC)
5. Fusion with others (FO)

نهایت ممکن است منجر به تجربه اضطراب بالا و گسلس در روابط آنها گردد(شایگان مطلق، ۱۳۹۲).

ارتباط تنگاتنگ و گسترده دو مؤلفه هویت‌یابی و تمایز یافتگی در دوره نوجوانی تحت تاثیر عوامل گوناگون مانند خانواده است. "خانواده" در حکم نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت انسان و واحدی عاطفی-اجتماعی و مکمل جامعه(یوسف نژاد، ۱۳۸۶؛ رحیمی نژاد و پاک نژاد، ۱۳۹۳؛ اکبری، ا. و اکبری، م، ۱۳۹۲) می‌تواند با ترکیب و یکپارچه‌سازی دو رکن اساسی هویت، یعنی حس تعلق و حس جدا بودن، به عنوان "خاستگاه هویت" مطرح شود (یوسف نژاد، ۱۳۸۶) و زمینه رشد افرادی تمایز یافته با کارکردی سالم یا افرادی کاملاً وابسته با مشکلات ژرف روانی و همچنین افرادی میان این دو نقطه انتهایی طیف را فراهم آورد(سلیمان نژاد، ۱۳۸۹). عملکرد بهنجار خانواده می‌تواند از عوامل تضمین‌کننده سلامت و رشد بهنجار شخصیت در نوجوان باشد و وی را در فائق آمدن بر تکالیف رشدی این دوره یاری رساند (شرفی، ۱۳۸۹؛ ابطحی، ۱۳۸۱؛ خباز و همکاران، ۱۳۸۹؛ سیاح و همکاران، ۱۳۸۹؛ اکبری، ا. و اکبری، م، ۱۳۹۲؛ برجعلی، ۱۳۸۴). همین امر، اهمیت و ضرورت پژوهش در زمینه خانواده و نوجوان، به ویژه پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد.

نتایج پژوهشهای متعدد از جمله مطالعه ایروانی و حمیدی (۱۳۸۸)، نجفی و همکاران(۱۳۹۱)، و گرتوانت و کوپر^۱ (۱۹۸۶)، به نقل از شوارتز^۲ و همکاران، (۲۰۰۵) و شوارتز و همکاران (۲۰۰۹)، نشان می‌دهد که عملکرد خانواده (در قالب روابط سالم، توانایی حل مشکل، میزان کنترل بهنجار رفتار و مشخص کردن نقشها و...) در شکل‌گیری حس هویت انسجام یافته و کاهش بحران هویت نقشی مؤثر دارد. صانع نسب (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود نشان داد که مؤلفه‌های عملکرد خانواده قادرند ۱۷,۷ درصد از واریانس مربوط به بحران هویت دانش‌آموزان را تبیین کنند. همچنین نتایج تحقیقات غفاری و همکاران(۱۳۸۹)، غفاری و مهینی (۱۳۹۳)، بیوگرن و پامبرگ^۳ (۲۰۱۰)، فاین و فین چام^۴ (۲۰۱۳)، آن و وانگ^۵ (۲۰۱۴) و کیم^۶ و دیگران (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که کارکرد سالم خانواده با سطوح تمایز یافتگی اعضا ارتباط مستقیم دارد.

1. Grotevant & Cooper
2. Schwartz
3. Bjuggren & Palmberg
4. Fine & Fincham
5. An & Wang
6. Kim

با توجه به پیشینه تحقیقاتی و ضرورت انجام تحقیقاتی منسجم در زمینه نقش مؤلفه‌های عملکردی خانواده در رشد بهنجار نوجوان، هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه میان عملکرد خانواده و مؤلفه‌های آن بر اساس مدل مک‌مستر^۱ (یکی از کاربردی‌ترین مدل‌های خانواده درمانی که به بررسی ابعاد مختلف عملکرد خانواده می‌پردازد) و میزان تجربه بحران هویت و تمایزیافتگی و همچنین بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایزیافتگی در نوجوانان است.

فرضیه‌های پژوهش

- بین عملکرد خانواده و ابعاد آن (ارتباط، واکنش عاطفی، ایفای نقش، عملکرد کلی، حل مشکل، همراهی عاطفی، کنترل رفتار) و میزان تمایزیافتگی و مؤلفه‌های آن (واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی، هم آمیختگی با دیگران) در نوجوانان رابطه وجود دارد.
- بین عملکرد خانواده و ابعاد آن (ارتباط، واکنش عاطفی، ایفای نقش، عملکرد کلی، حل مشکل، همراهی عاطفی، کنترل رفتار) و میزان تجربه بحران هویت در نوجوانان رابطه وجود دارد.
- عملکرد خانواده و ابعاد آن نقش تعیین کننده ای در پیش بینی میزان تجربه بحران هویت و تمایزیافتگی در نوجوانان دارد.
- بین دختران و پسران در تجربه بحران هویت و تمایزیافتگی تفاوت وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از پژوهشهای کمی از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل همه دانش آموزان ۱۷-۱۵ ساله مقطع متوسطه شهرستان اردکان یزد و توابع آن در سال ۹۳-۹۴ (حدود ۲۰۲۰ نفر) بوده و حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و فرمول کوکران با سطح معناداری ۹۵٪، ۳۳۰ نفر (دختر و پسر) تخمین زده شد که با در نظر گرفتن احتمال وجود موارد پرت و به منظور افزایش معناداری آزمون، ۳۷۰ نفر از طریق روش نمونه گیری خوشه ای مرحله ای، انتخاب شده و به پژوهش وارد شدند.

ابزار مورد استفاده شامل ۳ پرسشنامه زیر می‌باشد:

۱. پرسشنامه بحران هویت^۱

پرسشنامه بحران هویت، یک مقیاس مداد- کاغذی است که احمدی (۱۳۷۶) آن را در ۳۰ ماده تدوین کرده است و میزان ابتلای نوجوانان به بحران هویت را با تاکید بر ۱۰ بخش مجزا بر اساس DSM-IV شامل اشکال در اهداف بلند مدت، تردید در انتخاب شغل، نداشتن الگوی مناسب برای رفاقت، نامتناسب بودن رفتار جنسی، اشکال در شناخت و معرفت مذهبی، عدم توجه به ارزشهای اخلاقی، رعایت نکردن تعهد گروهی، داشتن دید منفی نسبت به خود، نداشتن روحیه تلاش و ابتکار و اختلال در تنظیم وقت، مورد سنجش قرار می‌دهد (ساعتچی و همکاران، ۱۳۹۱).

ضرایب اعتبار به دست آمده از روشهای متفاوت در پژوهشهای گوناگون، انسجام کافی و قابل قبول میان سوالات پرسشنامه را نشان می‌دهد (ساعتچی و همکاران، ۱۳۹۱؛ کاکیا، ۱۳۸۹). همچنین قابل فهم و ساده و روشن بودن سؤالات و روایی صوری پرسشنامه نیز مورد تایید قرار گرفته است (کاکیا، ۱۳۸۹).

۲. پرسشنامه عملکرد خانواده (FAD)^۲

ابزار سنجش کارایی خانواده، با ۵۳ پرسش برای سنجش عملکرد خانواده براساس نظریه مک‌مستر تدوین شده است و حوزه‌های متفاوت عملکرد خانواده را در ۶ بعد (حل مشکل^۳، ارتباط^۴، نقشها^۵، واکنش عاطفی^۶، مشارکت عاطفی^۷ و مهار رفتار^۸) و یک بعد عمومی عملکرد کلی خانواده مورد سنجش قرار می‌دهد (ساعتچی و همکاران، ۱۳۹۱). تحقیقات بسیاری اعتبار و روایی صوری و محتوایی بالای این پرسشنامه را تایید می‌کنند (ساعتچی و همکاران، ۱۳۹۱).

۳. سیاهه تمایز یافتگی خود- فرم تجدید نظر شده (DSI-R)^۹

فرم تجدید نظر شده سیاهه شامل ۴۶ سؤال و ۴ خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران است. آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهشهای

1. Identity crisis

2. Family Assessment Device

۳. توانایی خانواده و اعضای آن در حل مشکلات

۴. مبادله اطلاعات و ایجاد تعادل عاطفی به صورت کلامی و غیر کلامی در خانواده

۵. الگوهای تکراری رفتار اعضا که عملکرد خانواده از طریق آن تحقق می‌یابد

۶. توانایی پاسخ گویی به دامنه ای از محرکها به همراه احساسی متناسب به لحاظ کیفی و کمی

۷. میزان توجه اعضا به فعالیتهای و نگرانیهای یکدیگر و ارزش گذاری بر آنها

۸. مشخص کردن استانداردهایی برای رفتار اعضا در چارچوب خانواده

9. The Differentiation of Self Inventory-Revised

گوناگون در فاصله میان ۰,۹۲-۰,۷۳ قرار دارد و قابل قبول بودن اعتبار پرسشنامه را نشان می‌دهد (ثنائی ذاکر، ۱۳۸۷). روایی سازه و محتوایی را صاحب نظران این حوزه مورد تایید قرار داده اند. روایی محتوایی آن به روش همسانی درونی، ۰,۸۳ گزارش شده است (رحیم جمارونی، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ محاسبه شده برای سه پرسشنامه عملکرد خانواده، پرسشنامه بحران هویت و پرسشنامه تمایزیافتگی به ترتیب ۰,۹۲، ۰,۷۱، ۰,۷۹ است و پایداری قابل قبول پرسشنامه‌ها آلفای کرونباخ بیشتر از ۰,۷ را نشان می‌دهد.

در این تحقیق از آزمونهای آمار استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام و T دو گروه مستقل) به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS21 صورت گرفته است.

یافته‌ها

فرضیه ۱ و ۲: بین عملکرد خانواده و ابعاد آن و میزان بحران هویت و تمایزیافتگی و مؤلفه‌های آن در نوجوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین ابعاد متغیرها (عملکرد خانواده و تمایزیافتگی)

میزان تمایزیافتگی				عملکرد خانواده							متغیرها
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ابعاد
										۱	۱. ارتباط
									۱	**۰/۴۸۳	۲. واکنش عاطفی
								۱	**۰/۵۶۵	**۰/۵۲۸	۳. ایفای نقش
							۱	**۰/۷۲۵	**۰/۷۰۸	**۰/۶۶۳	۴. عملکرد کلی
						۱	**۰/۶۷۲	**۰/۶۵۸	**۰/۵۸۳	**۰/۵۵۷	۵. حل مشکل
					۱	**۰/۵۲۰	**۰/۶۷۴	**۰/۵۴۱	**۰/۵۰۹	**۰/۵۲۶	۶. همراهی عاطفی
				۱	**۰/۵۸۴	**۰/۵۵۸	**۰/۶۶۷	**۰/۵۹۳	**۰/۵۰۰	**۰/۵۵۲	۷. کنترل رفتار
			۱	**۰/۱۴۰	**۰/۱۱۸	**۰/۰۴۵	**۰/۱۹۴	**۰/۱۰۳	**۰/۱۹۹	**۰/۱۰۶	۸. واکنش پادیری
		۱	**۰/۱۹۴	**۰/۱۹۳	**۰/۱۷۵	**۰/۱۵۸	**۰/۲۱۴	**۰/۲۲۹	**۰/۱۷۴	**۰/۲۲۵	۹. جایگاه
	۱	**۰/۰۴۰	**۰/۲۵۰	**۰/۳۰۹	**۰/۳۷۶	**۰/۲۴۶	**۰/۳۸۰	**۰/۲۷۹	**۰/۳۳۵	**۰/۲۹۲	۱۰. گریز
۱	**۰/۲۲۳	**۰/۱۴۱	**۰/۶۰۲	**۰/۱۳۶	**۰/۰۹۳	**۰/۱۸۱	**۰/۱۱۳	**۰/۱۱۹	**۰/۰۵۸	**۰/۱۲۷	۱۱. آمیختگی
۱				**۰/۲۵۵							میزان تمایزیافتگی

*P<0.05 , **p<0.01

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین ابعاد متغیرها (عملکرد خانواده و میزان تجربه بحران هویت)

میزان تجربه بحران	عملکرد خانواده							متغیرها
	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ابعاد
							۱	۱. ارتباط
						۱	**۰/۴۸۳	۲. واکنش عاطفی
					۱	**۰/۵۶۵	**۰/۵۴۸	۳. ایفای نقش
				۱	**۰/۷۲۵	**۰/۷۰۸	**۰/۶۶۳	۴. عملکرد کلی
			۱	**۰/۶۷۲	**۰/۶۵۸	**۰/۵۸۳	**۰/۵۵۷	۵. حل مشکل
		۱	**۰/۵۲۰	**۰/۶۷۴	**۰/۵۲۱	**۰/۵۰۹	**۰/۵۲۶	۶. همراهی عاطفی
	۱	**۰/۵۸۴	**۰/۵۵۸	**۰/۶۶۷	**۰/۵۹۳	**۰/۵۰۰	**۰/۵۵۲	۷. کنترل رفتار
۱	**۰/۳۵۵-	**۰/۳۴۶-	**۰/۳۶۷-	**۰/۴۳۶-	**۰/۴۲۸-	**۰/۲۷۶-	**۰/۲۶۹-	تجربه بحران
۱	**۰/۴۴۷							

* $P < 0.05$, ** $p < 0.01$

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بین عملکرد خانواده و تمایز یافتگی با ضریب همبستگی ($r = 0.25$ و $p < 0.01$)، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین میان تمام مؤلفه‌های عملکرد خانواده و مؤلفه "جایگاه من" در تمایز یافتگی، رابطه مثبت معنادار و میان پنج مؤلفه از عملکرد خانواده (ارتباط، نقش، عملکرد کلی، حل مشکل، کنترل رفتار) با مؤلفه "آمیختگی" در تمایز یافتگی، رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین میان تمام ابعاد عملکرد خانواده با مؤلفه "گریز هیجانی" و پنج مؤلفه از عملکرد خانواده (ارتباط، واکنش هیجانی، همراهی عاطفی، عملکرد کلی و کنترل رفتار) با مؤلفه "واکنش پذیری هیجانی"، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین میان مؤلفه‌های "واکنش عاطفی و همراهی عاطفی" از عملکرد خانواده و مؤلفه "آمیختگی" از متغیر تمایز یافتگی، و میان مؤلفه "نقشها و حل مشکل" از عملکرد خانواده و مؤلفه "واکنش پذیری" از تمایز یافتگی رابطه معنادار وجود ندارد.

با توجه به جدول شماره ۲، میان عملکرد خانواده و ابعاد آن با میزان بحران هویت، رابطه منفی معنادار وجود دارد ($r = -0.44$ و $p < 0.01$).

فرضیه ۳: عملکرد خانواده و ابعاد آن نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی در نوجوانان دارد.

جدول ۳. نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش بینی میزان بحران هویت و تمایز یافتگی بر اساس ابعاد عملکرد خانواده

متغیر ملاک	R	ضریب تعیین	F	سطح معناداری	گام	متغیر پیش بین	B	β	T	سطح معناداری
بحران هویت	۰/۴۶۶	۰/۲۱۷	۴۹/۵۹۱	۰/۰۰۰	۱	عملکرد	-۰/۲۱۱	-۰/۲۶۷	-۳/۹۲۷	۰/۰۰۰
					۲	نقش	-۰/۳۲۵	-۰/۲۳۵	-۳/۴۵۹	۰/۰۰۱
تمایز یافتگی	۰/۲۵۷	۰/۰۶۶	۲۵/۲۶۷	۰/۰۰۰	۱	عملکرد	۰/۸۷۸	۰/۲۵۷	۵/۰۲۷	۰/۰۰۰

* $P < 0.05$, ** $p < 0.01$

بر اساس جدول شماره ۳، نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که مدل به کار گرفته شده با توجه به ضریب تعیین $R^2 = 0.217$ و اندازه اثر متوسط با توجه به $0.10 < R^2 < 0.24$ ، از طریق متغیرهای پیش بین "عملکرد کلی و نقش" قادر به پیش بینی متغیر وابسته بحران هویت است. به عبارت دیگر دو مؤلفه (عملکرد کلی و نقش) از متغیر عملکرد خانواده، می‌توانند ۲۱ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته (بحران هویت) را تبیین کنند. همچنین مدل به کار گرفته شده با توجه به ضریب تعیین $R^2 = 0.066$ و اندازه اثر پایین با توجه به $R^2 < 0.09$ ، تنها از طریق مؤلفه "عملکرد کلی" از متغیر عملکرد خانواده، قادر به پیش بینی متغیر وابسته تمایز یافتگی است. به عبارت دیگر مؤلفه "عملکرد کلی"، قادر است تنها ۶ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته "تمایز یافتگی" را تبیین کند.

فرضیه ۴: بین دختران و پسران در تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی تفاوت وجود دارد.

به منظور مقایسه دختران و پسران در میزان بحران هویت و تمایز یافتگی از آزمون T دو گروه مستقل استفاده شد. نتایج آزمون در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون T برای مقایسه میزان تجربه بحران هویت در نوجوانان دختر و پسر

متغیر	مقولات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	معناداری
تجربه بحران هویت	دختر	۱۸۰	۶/۸۸۳۳	۵/۰۸۰۶۶	۲/۱۴۵	۳۵۸	۰/۰۳۳
	پسر	۱۸۰	۵/۷۵۵۶	۴/۸۹۳۹۸			
تمایز یافتگی	دختر	۱۸۰	۱۵۹/۲۲۷۸	۲۳/۲۷۹۱۷	-۰/۳۳۲	۳۵۸	۰/۷۴۰
	پسر	۱۸۰	۱۵۹/۹۸۸۹	۲۰/۱۱۶۱۴			

نتایج جدول شماره ۴ حاکی از آن است که مقدار آماره آزمون t برای مقایسه میزان تجربه بحران هویت در دوجنس با درجه آزادی ۳۵۸ برابر ۲/۱۴۵ است و با توجه به سطح معناداری (۰/۰۳۳) ($\alpha < 0.05$)، آزمون معنادار است. بنابراین بین میانگینهای میزان تجربه بحران هویت در میان نوجوانان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد. مقایسه میانگینها نشان می‌دهد که دخترها

نسبت به پسرها بحران هویت بیشتری را تجربه می‌کنند. همچنین مقدار آماره آزمون t برای مقایسه میزان تمایزیافتگی با درجه آزادی ۳۵۸ برابر ۰,۳۳۲- است و با توجه به سطح معناداری (۰/۷۴) ($\alpha > 0/05$)، آزمون معنادار نیست. بنابراین بین میانگینهای میزان تمایزیافتگی در میان نوجوانان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که درجه تمایزیافتگی فرد به عملکرد خانواده بستگی دارد. خانواده‌های منسجم و منعطف که از توانایی حل مشکل، برقراری ارتباط صمیمی مؤثر با اعضای خانواده، تشویق و ترغیب فرزندان به ابراز وجود و تصمیم‌گیری مستقلانه و همچنین تعیین دقیق و مشخص نقشها و وظایف اعضا برخوردارند، خانواده‌هایی تمایزیافته با عملکرد سالم تلقی می‌شوند و در آینده با فرزندانی روبه‌رو می‌شوند که از "موقعیت من" قوی و نیرومندی در زندگی برخوردارند و همچنین نمرات پایین تری در "آمیختگی با دیگران" به دست می‌آورند. این نتایج با یافته‌های تحقیقات پژوهشگرانی مانند چانگ و گیل^۱ (۲۰۰۹)، فاین و فین چم^۲ (۲۰۱۳)، کیم و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، غفاری و همکاران^۴ (۱۳۸۹) و بخشی از نتایج پژوهشهای بیوگرن و پامبرگ^۵ (۲۰۱۰)، آن و وانگ^۶ (۲۰۱۴)، خاتون آبادی^۷ (۱۳۹۰) و غفاری و مهینی^۸ (۱۳۹۳) همسوست.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر وجود رابطه مثبت و معنادار میان تمام ابعاد عملکرد خانواده با مؤلفه "گریز هیجانی" و پنج مؤلفه از عملکرد خانواده (ارتباط، واکنش هیجانی، همراهی عاطفی، عملکرد کلی و کنترل رفتار) با مؤلفه "واکنش پذیری هیجانی" است. این بخش از نتایج با یافته‌های پژوهشهای جانسون و همکاران^۹ (۲۰۰۱)، هراس^{۱۰} (۲۰۰۸)، بیوگرن و پامبرگ^{۱۱} (۲۰۱۰)، خاتون آبادی^{۱۲} (۱۳۹۰) و غفاری و مهینی^{۱۳} (۱۳۹۳) که میان عملکرد خانواده و مؤلفه‌های "واکنش هیجانی و گسلش عاطفی" از تمایزیافتگی رابطه منفی معنادار به دست آوردند، همسو نیست.

در تبیین این قسمت از نتایج می‌توان به فاکتورهای اساسی فرهنگ و تحولات مربوط به بلوغ و نوجوانی و تاثیر رسانه‌ها اشاره کرد.

عملکرد خانواده و تمایزیافتگی باتوجه به فرهنگهای گوناگون در جوامع، به شکلهای متفاوت تعریف شده است. خانواده‌های جمع‌گرای شرقی ممکن است عملکرد سالم را در قالب خانواده‌هایی با اعضای به هم چسبیده، احترام به اعضای بزرگ‌تر و رعایت سلسله مراتب، واکنش

1. Chung & Gale
2. Johnson et al.
3. Heras

به هیجانات و احساسات اعضا و درگیر کردن خود در مسائل دیگران و ... نشان دهند. در حالی که خانواده‌های فردگرای غربی جوانان خود را به خودمختاری، عدم وابستگی به منابع حمایتی از جمله خانواده و پابندی به عقاید شخصی خود، تشویق می‌کنند. همین تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز وجود تناقضات در نتایج پژوهشهایی از این دست باشد. همچنین عدم دستیابی به خودکفایی عاطفی، بروز آشفتگیهای هیجانی، درگیری با عواطف و غرق شدن در دنیای احساسی و عدم برخورد منطقی با مشکلات، جزء لاینفک و اجتناب ناپذیر دوره بحرانی و پرفراز و نشیب نوجوانی است که همسو شدن آن با فاکتورهای فرهنگی بیش از حد جمع‌گرای منطقه، همبستگی مستقیم عملکرد خانواده و واکنش‌پذیری عاطفی را تبیین می‌کند.

در تبیین رابطه مستقیم عملکرد و گسلش عاطفی باید به این نکات توجه داشت که بسیاری از فاکتورهای فرهنگی جمع‌گرا مانند احترام و ادب به بزرگ‌ترها و رعایت سلسله مراتب در خانواده در جوامع سنتی و مذهب گرا مانند استان یزد، به صورت مضاعف مورد تاکید قرار می‌گیرد. همچنین نوجوان پابند به این اصول در دوره ای قرار دارد که "در خود فرو رفتن" و کناره‌گیری از خانواده به منظور فراهم کردن زمینه برای جدایی از والدین و کسب استقلال یکی از ویژگیهای اصلی آن است. همچنین رشد شناختی و شکل‌گیری تفکر انتزاعی در این دوره سبب می‌شود که نوجوان بیش از حد متوجه خویش‌نشدن شود و به خود توجه کند و از آنجا که به دلیل تغییرات جسمانی و فیزیکی، ارزیابی مثبتی از خود به عمل نمی‌آورد، احساس حقارت می‌کند و برای اجتناب از شرمگینی و خجالت زدگی به انزوا پناه می‌برد. همسو شدن عامل فرهنگ و ویژگیهای نوجوانی با ورود رسانه‌هایی مانند ماهواره و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی به جمع‌های خانوادگی که با بهنجار جلوه‌دادن جدایی و فاصله‌گیری از خانواده، زمینه ترویج فرهنگهای فردگرای غربی را در بافت خانواده فراهم می‌کند، می‌تواند به کناره‌گیریها و گریز نوجوان از فضای خانواده دامن بزند.

ارتباط منفی معنادار میان عملکرد خانواده و ابعاد آن با میزان بحران هویت در این پژوهش با نتایج تحقیقات اثنی عشر (۱۳۷۸)، نجفی و همکاران (۱۳۸۵)، سرابی و همکاران (۱۳۸۶)، خسروی و همکاران (۱۳۸۶)، بخشی از نتایج ایروانی و حمیدی (۱۳۸۸)، مختاری (۱۳۹۰)، حاجلو و همکاران (۱۳۹۱)، نجفی و همکاران (۱۳۹۱)، شوارتز و همکاران (۲۰۰۶)، شوارتز و همکاران (۲۰۰۹)، کوپر (۱۹۸۹)؛ برزونسکی^۱، ۲۰۰۵، ۲۰۰۴؛ برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۷؛ ماتیس و آدامز^۲، ۲۰۰۴؛ اسمیت و

1. Berzonsky
2. Matheis & Adams

همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از نجفی و همکاران، ۱۳۹۱) و کانگ^۱ (۲۰۰۰) در زمینه اثرگذاری عملکرد مطلوب خانواده در شکل گیری هویت سالم و تجربه بحران هویت کمتر، همسو می باشد. بنابراین نهاد مقدس خانواده در حکم "خاستگاه و مرکز هویت" می تواند به عنوان مانعی اساسی از بحران هویت شدید نوجوان جلوگیری کند.

همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که از میان ابعاد عملکرد خانواده، مؤلفه های "عملکرد کلی و نقشها"، قادر به پیش بینی بحران هویت و تنها مؤلفه "عملکرد کلی" قادر به پیش بینی تمایز یافتگی در نوجوانان است. بنابراین عملکرد خانواده را می توان متغیری پیش بین برای بحران هویت و تمایز یافتگی نوجوان در نظر گرفت. اما این مؤلفه ها، باهم، تنها می توانند ۲۷ درصد از متغیرهای وابسته پژوهش را (بحران هویت و تمایز یافتگی) پیش بینی کنند و قدرت پیش بینی کنندگی عملکرد خانواده به تنهایی در مؤلفه تمایز یافتگی، پایین است. در نتیجه در این پژوهش، خانواده می تواند با تاثیر بر میزان تجربه بحران هویت و میزان تمایز یافتگی فرد، یکی از عوامل مؤثر در رشد بهنجار شخصیت، فائق آمدن بر تکالیف رشدی و عملکرد و رفتار سالم شخص در چالش برانگیزترین مرحله زندگی وی، یعنی "نوجوانی" باشد. در توجیه نقش پیش بینی کنندگی نقشها در بحران هویت باید گفت که احتمالاً هر اندازه، نقشها در خانواده مشخص تر باشد و خانواده در انجام دادن وظایف و کارکردهای مورد نظر بهتر عمل کند، هویت یابی نوجوان تسهیل می شود.

گرچه خانواده ارتباطی مؤثر با تمایز یافتگی دارد و عملکرد مناسب آن در نهایت منجر به رشد فردی با هویت مستقل و در عین حال تمایز یافته می شود، اما در دوران نوجوانی نمی تواند پیش بینی قوی، برای تمایز یافتگی باشد. شاید دلیل اصلی آن (همان طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد) نوجوان بودن آزمودنیها و عدم شکل گیری ادراک صحیح از تمایز یافتگی در ذهن آنها، درگیری با مشکلات و بحرانهای هویتی و عاطفی، بلوغ روانشناختی ناکافی و عدم شناخت صحیح خود و مهم تر از همه نوع سبک زندگی متأثر از فرهنگ منطقه باشد. همچنین یافته های جانبی این پژوهش نشان داد که بین میانگینهای میزان تجربه بحران هویت در دختران و پسران به طور معناداری تفاوت وجود دارد و دختران نسبت به پسران بحران هویت بیشتری را تجربه می کنند. این نتیجه با نتایج پژوهشهای دهشیری (۱۳۸۴)، دانشور (۱۳۷۵) و آرچر^۲ (۱۹۸۵) همسوست. آنها در مطالعات خود نشان دادند که میزان بحران هویت در دختران بیشتر از پسران است.

1. Kang
2. Archer

در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که هر چند دختران سریع‌تر از پسران مراحل رشد هویت را پشت سر می‌گذارند و به وضعیت کسب هویت می‌رسند، ولی در سالهای آخر نوجوانی جهت این تفاوت تغییر پیدا می‌کند و شمار پسرانی که به وضعیت کسب هویت می‌رسند بیشتر می‌شود. غرایی (۱۳۸۷)، تفاوت زمان شروع بلوغ و مراحل رشد در دوره نوجوانی در دختران و پسران و همچنین تفاوت‌های موجود در نقش‌یابیهای جنسیتی و نوع انتظارات از دختران در فرهنگها و حتی جوامع مختلف را از دلایل مهم تفاوت‌های جنسیتی در فرآیند هویت‌یابی و تجربه بحران هویت و طولانی و سخت شدن جریان تشکیل هویت در دختران قلمداد می‌کند.

از دیگر یافته‌های جانبی این پژوهش می‌توان به عدم تفاوت میانگین تمایز یافتگی گروه دختران و پسران اشاره کرد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات آسفیچی و همکاران (۱۳۹۱)، آریامنش و همکاران (۱۳۹۲) و باجگیریانی و همکاران (۱۳۹۲) همسوست. آنها در مطالعات خود به این نکته اشاره کردند که میان دوجنس در تمایز یافتگی، تفاوتی وجود ندارد. در تبیین این مساله می‌توان به گام نهادن آزمودنیها در جهت دستیابی به الگوهای فراجنسیتی اشاره کرد. مفهوم فراجنسیتی بیان می‌کند که وجود سطح بالایی از صفت‌های هر دو جنس، سازگارانه‌ترین و انطباقی‌ترین ویژگی جنسیتی را به وجود می‌آورد (اشترایه و همکاران، ۱۳۹۲). جهت‌گیری نوجوانان امروزی در جامعه در حال پیشرفت ما به سمت الگوهای فراجنسیتی است که این امر گامی ارزشمند در جهت افزایش سطوح تمایز یافتگی است.

با توجه به تاثیرپذیری مقولاتی مانند عملکرد خانواده و تمایز یافتگی از فرهنگ و همچنین جامعیت اطلاعات به دست آمده از پژوهشهای کیفی، به سایر پژوهشگران علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود که در زمینه بررسی عوامل نام برده، تحقیقات کیفی میان-فرهنگی درباره قومیت‌های متفاوت انجام دهند و نتایج به دست آمده را به قیاس بگذارند. همچنین با توجه به این نکته که فرآیند تمایز یافتگی تا حدودی تحت تاثیر سن فرد قرار دارد، انجام دادن پژوهشهایی مشابه با پژوهش حاضر در سنین پس از نوجوانی می‌تواند نتایج بهتر و معتبرتری از اثرگذاری عملکرد خانواده بر مفهوم تمایز یافتگی در اختیار محققان قرار دهد. سایر ارگانها مانند آموزش و پرورش نیز می‌توانند با الهام از نتایج پژوهشهایی از این دست، کارگاههایی آموزشی به منظور ارتقای سطح عملکردی خانواده، آگاه کردن والدین از تکالیف رشدی و ویژگیهای نوجوانی و آموزش شیوه‌های برخورد صحیح با آنها و ... برگزار کنند.

منابع

- آریامنش، صابر؛ فلاح، سیدرضا و زارعی، اقبال. (۱۳۹۲). مقایسه تمایز یافتگی بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۳(۱)، ۸۱-۸۹.
- آسفیچی، علی؛ لوانسانی، غلامعلی و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و خود متمایزسازی. *مجله خانواده پژوهی*، ۸(۳۲)، ۴۴۱-۴۶۳.
- ابطحی، سید نعمت‌الله. (۱۳۸۱). نقش خانواده در هویت‌یابی نوجوانان و جوانان. *مجله آموزه*، ۱۶(۸۱)، ۸-۱۷.
- اثنی عشر، مریم. (۱۳۷۸). بررسی رابطه الگوهای خانواده و باورهای مذهبی با وضعیت‌های هویت در نوجوانان شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- احمدی، احمد. (۱۳۸۲). *روان‌شناسی نوجوانان و جوانان*. اصفهان: مشعل.
- اشترایه، فاطمه؛ مهدویان، علیرضا و خدابخشی‌کولایی، آناهیتا. (۱۳۹۲). مقایسه نقش‌های جنسیتی و خود متمایزسازی در دانشجویان متأهل زن. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۴(۴)، ۸۳-۹۵.
- اکبری، ابوالقاسم و اکبری، مینا. (۱۳۹۲). *عوامل ناسامانی خانواده*. تهران: رشد و توسعه.
- ایروانی، محمدرضا و حمیدی، سلیمه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان خمینی شهر. *مجله جامعه‌شناسی*، ۱(۴)، ۱۴۱-۱۶۱.
- باجیگرانی، سونه؛ هاشم‌آبادی، بهرام علی و ظریف، فرزانه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود و سبک‌های عشق‌ورزی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۴(۱۶)، ۸۴-۸۹.
- برجعلی، احمد. (۱۳۸۴). تحول شخصیت در نوجوان (با تأکید بر شیوه‌های فرزندپروری). تهران: ورا دانش.
- ثنایی‌ذاکر، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت
- حاجلو، نادر؛ رضایی، علی و واحدی، شهرام. (۱۳۹۱). همبسته‌های هویت‌یابی فردی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان اردبیل. *مجله روان‌شناسی مدرسه*، ۱(۲)، ۲۱-۳۸.
- خاتون‌آبادی، امیرحسین. (۱۳۹۰). پیش‌بینی کارکرد خانواده براساس میزان معنویت و تمایز یافتگی فرد در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شمال تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- خباز، محمود؛ سعدی‌پور، اسماعیل و فرخی، نورعلی. (۱۳۸۹). آزمون مدل علی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت. *فصلنامه روان‌شناختی تربیتی*، ۱۶(۶)، ۱۲۷-۱۴۵.
- خسروی، زهره؛ کیامنش، علیرضا؛ بنی‌جمالی، شکوه السادات و نیک‌منش، زهرا. (۱۳۸۶). بررسی کیفی نقش عملکرد خانواده در بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوانان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۳(۴)، ۴۵-۶۸.
- دانشوری، احمد. (۱۳۷۵). بررسی بحران هویت نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- دهشیری، غلامرضا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه دین‌داری و بحران هویت در بین دانش‌آموزان یزد. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۱(۱)، ۸۷-۹۸.
- رحیم جمارونی، هانیه. (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ای تمایز یافتگی و قاطعیت در افراد دارای شخصیت وابسته و افراد مبتلا به بی‌اشتهایی عصبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه الزهراء (س).

- رحیمی نژاد، عباس و پاک‌نژاد، محسن. (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و نیازهای روان‌شناختی با سلامت روانی نوجوانان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰ (۳۷)، ۹۸-۱۱۱.
- رضوی، اقدس السادات. (۱۳۸۸). نوجوانی و هویت‌یابی. *مجله مشاوره مدرسه*، ۵ (۱)، ۲۰-۱۶.
- ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز و عسگریان، مهناز. (۱۳۹۱). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: ویرایش.
- سرایی، محمد؛ محمودنیا، علیرضا؛ کاوسیان، جواد و پرهیزگار؛ آذرخت. (۱۳۸۶). مقایسه کیفیت رابطه ولی-فرزندی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت. *مجله پیک نور*، ۸ (۱)، ۵۵-۶۵.
- سلیمان‌نژاد، اکبر. (۱۳۸۹). تأثیر روان‌نمایشگری بر افزایش تمایز یافتگی خرد از خانواده در دانشجویان پرستاری. *مجله علوم پزشکی ارومیه*، ۲ (۱۰)، ۳۷-۴۷.
- سیاح سیاری، نیمانج؛ حسین شاهی، حمیدرضا و رنجبر، بایرامعلی. (۱۳۸۹). رابطه بین هویت و حمایت اجتماعی والدین در میان نوجوانان. *مجله اندیشه و رفتار*، ۴ (۱۶)، ۶۶-۷۴.
- شایگان مطلق، زهرا. (۱۳۹۲). پیش‌بینی میزان بخشودگی زوجین براساس مؤلفه‌های تمایز یافتگی و ابعاد جهت‌گیری مذهبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهرا (س).
- شرقی، محمدرضا. (۱۳۸۹). *خانواده متعادل (آنتانومی خانواده)*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- صانع نسب، عادل. (۱۳۹۳). *رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و عملکرد خانواده با بحران هویت نوجوانان شهر یاسوج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه یاسوج.
- صبح‌خیز، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی نقش خانواده و کتاب‌های درسی دوره راهنمایی در شکل‌گیری هویت جنسیتی دانش‌آموزان دختر شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء (س).
- غزایی، بنفشه. (۱۳۸۷). *بحران هویت و مهارت‌های مقابله‌ای (نظریه‌ها و راهبردها)*. تهران: قطره.
- غفاری، فاطمه؛ رفیعی؛ حسن و ثنایی، باقر. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش خانواده با استفاده از تئوری سیستمی بوئن بر تمایز یافتگی و کارکرد خانواده‌های دارای فرزند معتاد. *مجله خانواده‌پژوهی*، ۶ (۲۲)، ۲۲۷-۲۳۹.
- غفاری، مظفر و مهینی، شهرام. (۱۳۹۳). بررسی رابطه رضامندی از روابط و تمایز یافتگی با عملکرد خانواده در دانشجویان متأهل. *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ۳ (۴)، ۳۹-۵۷.
- کاکیا، لیدا. (۱۳۸۹). تأثیر مشاوره گروهی مبتنی بر واقعیت درمانی بر بحران هویت دانش‌آموزان دوره راهنمایی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۲ (۱)، ۴۳۰-۴۳۷.
- مختاری، الهام. (۱۳۹۰). بررسی رابطه عملکرد خانواده و انواع هویت در دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- نجفی، محمود؛ احدی، حسن و دلاور، علی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه کارآیی خانواده و دین‌داری با بحران هویت. *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۱۳ (۱۶)، ۱۷-۲۶.
- نجفی، محمود؛ مهدی‌فر، محمدعلی و دبیری، سولماز. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان. در *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی شدن، پنجمین کنگره آسیب‌شناسی خانواده*، دانشگاه شهیدبهبشتی، ۳۴۶-۳۴۸.
- یوسف‌نژاد، مائده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه عملکرد خانواده با طرحواره‌های ناسازگار و رضایت زندگی در دانشجویان شهر بابل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه الزهرا.

- An, Q., & Wang, Y. (2014). On the relationship between college students' family function, differentiation of self, and Internet addiction. *Advances in Psychology*, (4), 187-194.
- Archers, S.L. (1985). *Identity & choice of social roles*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Bjuggren, P.O., & Palmberg, J. (2010). The impact of vote differentiation on investment performance in listed family firms. *Family Business Review*, 23(4), 327-340.
- Buehler, C. (2001). Adjustment. In J. Touliatos, B.F. Perlmutter, & M.A. Straus (Eds.), *Handbook of family measurement techniques* (Vol. 1, pp. 247-259). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Chung, H., & Gale, J. (2009). Family functioning and self-differentiation: A cross-cultural examination. *Contemporary Family Therapy*, 31(1), 19-33.
- Fine, M.A., & Fincham, F. (Eds.). (2013). *Handbook of family theories: A content-based approach* (1st ed.). New York: Routledge.
- Heras, J.E. (2008). *A clinical application of Bowen family system theory* [on-line]. Available at: www.thebowencenter.org.
- Johnson, P., Thorngren, J.M., & Smith, J.A. (2001). Parental divorce and family functioning: Effects on differentiation levels of young adults. *The Family Journal*, 9(3), 265-272.
- Kang, J. S. H. (2000). *Identity formation status, spiritual well-being and family functioning type among college students in Korea*. Dissertation Abstracts International, 61 (03), 1672B. (UMI No. 9964954)
- Kim, H., Prouty, A.M., Smith, D.B., Ko., M.J., Wetchler, J.L. & Oh, J.E. (2015). Differentiation and healthy family functioning of Koreans in South Korea, South Koreans in the United States and White Americans. *Journal of Marital & Family Therapy*, 41(1), 72-85.
- Schwartz, J., Mason, C.A., Pantin, H., & Szapocznik, J. (2009). Longitudinal relationships between family functioning and identity development in Hispanic adolescent: Continuity and change. *Journal of Early Adolescence*, 29(2), 177-211.
- Schwartz, J., Pantin, H., Prado, G., Sullivan, S., & Szapocznik, J. (2005). Family functioning, identity and problem behavior in Hispanic immigrant early adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 25(4), 392-420.
- Schwartz, J.P., Thigpen, S.E., & Montgomery, J.K. (2006). Examination of parenting styles of processing emotions and differentiation of self. *The Family Journal*, 14, 41-48.

